

به نام خدا

# نقش مراکز مشاوره در کاهش مشکلات دانش آموزان

مولفان :

ندا احمدی

محمدجواد فریدی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: احمدی، ندا، ۱۳۷۷  
عنوان و نام پدیدآور: نقش مراکز مشاوره در کاهش مشکلات دانش آموزان/ مولفان ندا احمدی، محمدجواد فریدی.  
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری: ۶۷ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۱۷۷-۳  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: دانش آموزان - مشکلات - مراکز مشاوره  
شناسه افزوده: فریدی، محمدجواد، ۱۳۷۳  
رده بندی کنگره: PN۲۱۸۹  
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۵۰  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۹۱۱  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: نقش مراکز مشاوره در کاهش مشکلات دانش آموزان  
مولفان: ندا احمدی - محمدجواد فریدی  
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳  
چاپ: زبرجد  
قیمت: ۶۷۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۱۷۷-۳  
تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۷
فصل اول:.....	۱۱
راهنمایی و مشاوره تحصیلی.....	۱۱
مشاوره در مدرسه .....	۱۱
مشکل محرمانه بودن : .....	۱۳
اهمیت همدلی .....	۱۶
فرایند مشاوره .....	۱۷
مقوله بندی کردن مشکل کودک .....	۱۷
نقش مشاور .....	۱۸
تحکم گری : .....	۱۹
رویکرد بی طرفانه .....	۲۱
مسئولیت .....	۲۱
تمرکز .....	۲۲
عدم دخالت .....	۲۲
مشکلاتی که مشاور با آنها روبروست : .....	۲۳
فشارهای اجتماعی و تعارض ها .....	۲۴
تعارض نوع ۱: (تعارض جاذب- جاذب) .....	۲۵
تعارض نوع ۲: (تعارض اجتنابی - اجتنابی).....	۲۵

۲۵.....	تعارض نوع سوم: (تعارض جاذب- اجتنابی)
۲۷.....	شکل گیری مشاوره و راهنمایی در آموزش و پرورش
۲۸.....	نظریه های مراجع محوری
۲۹.....	روان درمانی مراجع محوری
۳۱.....	روان درمانی
۳۱.....	فرضیه های کلی این رویکرد:
۳۲.....	اهداف مشاوره گروهی
۳۴.....	فرآیند درمان و رابطه درمانی
۳۵.....	شرایط رابطه درمانی
۳۷.....	<b>فصل دوم:</b>
۳۷.....	<b>تاریخچه راهنمایی و مشاوره</b>
۴۳.....	مبانی نظری
۴۳.....	الف - هوش آزمایی
۴۴.....	ب - عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی
۴۷.....	<b>فصل سوم:</b>
۴۷.....	<b>انواع راهنمایی</b>
۴۷.....	انواع راهنمایی ها
۴۷.....	راهنمایی تحصیلی
۴۸.....	راهنمایی شغلی
۴۸.....	راهنمایی شخصی
۴۹.....	راهنمایی فردی

۴۹	راهنمایی گروهی
۴۹	تفاوت راهنمایی و مشاوره
۴۹	تعریف پرونده تحصیلی - تربیتی
۵۰	مشاور و متخصصان راهنمایی:
۵۱	<b>فصل چهارم:</b>
۵۱	<b>مشاوران موفق</b>
۵۱	مشاور موفق
۵۱	وظایف مشاور
۵۲	سابقه راهنمایی و مشاوره در جهان
۵۵	مهارت‌های گوش دادن:
۵۷	سابقه راهنمایی در ایران
۵۷	الف: تهیه مقدمات برای اجرای برنامه راهنمایی
۶۰	پ: برنامه های قبل از انقلاب
۶۱	چ: برنامه راهنمایی بعد از انقلاب
۶۳	<b>منابع:</b>



## مقدمه

انسان موجودی است که اعمال و رفتارهای او متأثر از آداب و رسوم و قوانین اجتماعی است. انسان بدون تعلق به گروه، احساس امنیت نمی کند و به تنهایی برای استفاده از طبیعت به منظور ارضای نیازهایش توان کافی ندارد. به گفته مورینو انسان در گروه متولد می شود، در گروه بیمار می شود و در گروه درمان می شود. انسان خواه بر اساس مبانی فطری و آفرینشی و خواه بر اساس اکتساب موجودی اجتماعی و مدنی است. او برای تداوم حیات و گذراندن زندگی روزمره نیاز به کسانی دارد که با آنها حرف بزند، درد دل کند، تبادل نظر نماید و از آنها جهت حفظ و صیانت وجود و رسیدن به رشد بهره گیرد. یکی از مهمترین مسائل و مشکلات اجتماعی روزمره در جوامع گوناگون، ناهنجاریهای رفتاری و روانی و روشهای مقابله با آنهاست.

در این مسأله که بهداشت روانی، پیشگیری و درمان اختلالات و ناهنجاریهای رفتاری روزبه روز اهمیت بیشتری در جهان کنونی می یابد تردیدی وجود ندارد. متأسفانه وسایل و امکانات پیشگیری و درمانی بسیار ناچیز بوده به هیچ روی کفایت و تقاضاهای رو به رشد محیطی را نمی دهد. تراکم جمعیت در مراکز مشاوره و کلینیکهای روانی اغلب آنچنان است که درمان را برای مدتی به تعویق می اندازد، در حالی که افرادی که دچار موقعیتهای بحرانی هستند درست در لحظه بحران به کمک نیاز دارند. علاوه بر این، گاه یک مشکل جزئی شخصیتی که رفع آن مستلزم آگاهیهای مقدماتی و کوششهای ابتدایی است، بر اثر مرور زمان به یک مشکل حاد و مزمن بدل خواهد شد. متأسفانه این مسأله، بخصوص در مورد طبقات غیرمرفه جامعه بیشتر صادق است.

دوران نوجوانی یکی از بحرانی ترین دوران زندگی فرد است. نوجوان مرز کودکی گذشته و وارد مرحله نوینی شده است. ورود به دوره نوجوانی فرد را با مشکلات فراوانی دست به گریبان می کند. فرآیند بلوغ یکی از بحرانی ترین دوره های زندگی هر فرد است. استانی هال که به پدر روان شناسی بلوغ معروف است این مرحله را مرحله طوفان و فشار می نامد. نوجوان در این دوره تمایلات و خواهش های متضادی دارد و خودخواهی کودکانه را با نوع پرستی خیرخواهانه درمی آمیزد. روسو نیز دوره بلوغ را تولد مجدد می داند و اعتقاد داشت وقتی که فرد به دوره بلوغ می رسد مثل این است که فرد دیگری با خصوصیات روانی و بدنی متفاوتی در وی بوجود می آید. هدف رویکرد مراجع محوری با سایر رویکردهای سنتی تفاوت دارد. هدف این رویکرد معطوف به استقلال بیشتر و یکپارچگی شخصیت افراد است. در این شیوه به جای تمرکز روی مشکل، روی خود فرد تمرکز می شود. راجرز در سال ۱۹۷۷ اظهار کرد که هدف درمانگر حل مشکل نیست بلکه کمک به مراجع جهت رشد و رسیدن به اهدافش است، در نتیجه این امر افراد بهتر می توانند با مشکلاتی که دارند یا در آینده برای شان رخ خواهد داد مقابله نمایند. راجرز در سال ۱۹۶۱ هم اظهار داشت افرادی که برای روان درمانی و استفاده از خدمات مشاوره ای به مشاوران مراجعه می کنند اغلب می خواهند به این سؤال پاسخ دهند که من چگونه می توانم خود واقعی ام را بهبود ببخشم؟ من چگونه می توانم از خود واقعی ام آن طور که هست حمایت کنم؟

خودپنداره دید جامع فرد درباره خودش است. اگر ما بتوانیم فرد را در وضعیتی قرار دهیم که کاملاً در توصیف خودش آزاد، باز و دقیق باشد و نتیجه این توصیف کلماتی چون باهوش، سختکوش، دلسوز، بالغ، مسئول و مانند اینها باشد عصاره خودپنداره او را بدست آورده ایم. خودپنداره ثابت و تغییرناپذیر نیست بلکه با تجربه افراد و تفسیر دیگران از آن تجربه شکل می گیرد. اعتقادی که در نتیجه تجربه برای فرد بوجود می آید مبنای نگاه او به خودش می شود. خودپنداره فقط توصیف خویشتن نیست در حالی که تجارب افراد به شکل گیری خودپنداره ایشان کمک می کند، تصویر ایشان از خودشان نیز در نوع تجاربی که خواهند داشت تأثیر می گذارد.



در سال‌های اخیر کارول دوک و آلن لگت (۱۹۸۸) دیدگاهی شناختی تر درباره خودپنداره عرضه کردند از نظر آن دو، خودپنداره به نگرش افراد و خصوصیات شخصیتی‌شان مثل (هوش، همدلی و یکپارچگی) وابسته است. ایشان دارای نظریه‌هایی درباره خودشان هستند. آنها استدلال می‌کنند که مردم دو نوع دید درباره خصوصیات شخصی خویش دارند: وجود مدار و افزایشی. کودکانی که نظریه وجودمدار دارند معتقدند که خصوصیات شخصی ایشان مانند هوش ثابت و تغییرناپذیر است. کودکانی که نظریه افزایشی دارند معتقدند که خصوصیات ایشان انعطاف‌پذیر، فزاینده و دارای یک کیفیتی مهارپذیر است.



# فصل اول:

## راهنمایی و مشاوره تحصیلی

### مشاوره در مدرسه

ارزیابی راهنمایی و مشاوره در مدرسه باید با تاکید بر اینکه هر معلمی، آموزگار مهارتهای اجتماعی است، آغاز می شود از این رو همه معلمان، مشاور تحصیلی نیز هستند بدین معنا که بخشی از کارکرد هر معلمی کمک به کودکان در حل مشکلات شخصی و تصمیم گیری درباره روشی است که باید در زندگیشان اتخاذ کنند از آنجایی که معلمان افرادی هستند که نه تنها از لحاظ میزان علاقمندی نسبت به نقشهای مشاوره ای متفاوتند بلکه در دامنه ای که کودکان آماده اند تا در مسائلشان با آنها مشورت کنند نیز تفاوتی قابل ملاحظه ای دارند برخی معلمان تمایل دارند اعتماد بیشتری را جلب کنند و در نتیجه در روابطشان با کودکان نوعی رفتار همدلانه و صبورانه تری دارند. کودکان احساس می کنند، می توانند با آنها حرف بزنند و به واکنشهای آنها اعتماد کنند در واقع دو ویژگی همدلی و مطمئن بودن بیش از هر چیز دیگری با روشهای مشاوره سنخیت دارند و کودکان موقعی که نیاز دارند تصمیم می گیرند با افرادی که صاحب این ویژگی ها هستند حرف بزنند.

دومین ویژگی قابل اعتماد بودن است گاهی اوقات این واقعیت که معلمان نقش دوگانه ای دارند مورد تردید قرار می گیرد در درجه نخست : آنها نماینده قدرت در مدرسه اند و در درجه دوم مشاور بی طرف و قابل اعتماد محسوب می شوند بنابراین اگر کودکی بخواهد با معلمش درباره مشکلات مربوط به مدرسه اش گفتگو کند. برای مثال، در مورد رفتار غیرعادلانه یکی از کارکنان مدرسه یا دزدی از تجهیزات مدرسه یا تقلب در امتحان مدرسه مطمئن نیست که آیا معلم تمام این مسائل را به طور کامل به مراجع بالاتر گزارش می دهد یا نه . ازسویی دیگر معلم نیز ممکن است احساس کند که باید به اجبار وفاداریش را به دو گروه نشان دهد. زمانی که وظایف حرفه ای اش مطرح است دچار نگرانی می شود و این دلیل محکمی است که چرا برخی از معلمان مخالف ایجاد این نوع اعتماد - که آنها را در موضع مبهم و نامشخصی قرار می دهد - هستند.

یکی از راههای اجتناب از این مسائل استخدام فردی است که وظیفه اش فقط مشاوره بوده و به هیچ وجه کاری به تدریس و فعالیتهای انضباطی نداشته باشد دلیل اینکه این اقدام چندان رایج نیست این است که برخی از معلمان برای وجود خودشان در حضور یک مشاور متخصص در مدرسه ناراحت هستند آنها ممکن است از اینکه موضوع گفتگوی بین مشاور و کودک باشد احساس ناراحتی می کنند و حضور مشاوران در مدرسه را تهدیدی برای نقشهای ارشادی خودشان می دانند اگر رازهایی هم وجود داشته باشد مشاور حتی آنها را نیز برای مدیر مدرسه افشا نمی کند از این رو این قدرت دوم باید به هر شکلی که شده در مدرسه تضعیف شود بنابراین هرچند به نظر می رسد بسیاری از ما از مشاوران متخصص حمایت می کنیم اما این امکان وجود دارد که نقش معمول معلمان در مشاوره به طور عمده در پیش بینیهای آتی کاهش یابد. بنابراین برای معلمان داشتن اطلاعات محدودی از متغیرهای اساسی دخیل در آن اهمیت دارد برخی از مدارس مسئولیت سرپرستی سالیانه هماهنگی فعالیتهای مشاوره ای و آگاه ساختن کارکنان تازه وارد را درمورد آنچه باید انجام دهند بر عهده مشاور می گذارند در حالی که سایر مدارس آنان را به سرپرستی امور ارشادی منصوب می کنند و تعداد اندکی از آنان در دوره های کوتاه مدت ، مشاوره سازمان یافته که توسط مقامهای محلی یا

گروه های تخصصی برگزار می شود شرکت می کنند و تعداد کمتری از آنها نیز دارای مدرک رسمی مرتبط هستند از آنجایی که یکی از بهترین راههای توسعه و اشاعه مهارتهای مشاوره برای کسی که همراه با متخصص آموزش است مسئولیت دادن و ارائه اطلاعات به دیگران است معلمان می توانند این مهارت ها را درون زمینه علمی که مجبورند آنها را به کار گیرند فراگیرند و می توانند در مواقعی که به خودشان اطمینان ندارند در صدد یافتن منبع مفیدی از توصیه های تخصصی برآیند.

### مشکل محرمانه بودن :

به ابتدای بحث برمی گردیم تأکید شد که همدل و قابل اعتماد بودن هدایای اساسی است که مشاوره به کودک می بخشد. همچنین گفته شد: مشکل اصلی موقعی بوجود می آید که کودک به دلیل عدم تبعیت تر مقررات مدرسه یا تهدید ارزش ها و معیارها مورد توجه مشاور قرار می گیرد آیا مشاور باید اطلاعات را به طور خصوصی و محرمانه حفظ کند یا اعتماد کودک را زیر پا بگذارد و نزد مدیر یا سایر مسئولان مدرسه برود؟ برخی نویسندگان پیشنهاد می کنند که معلم باید همیشه از قبل به کودک این آگاهی را بدهد که در مواقع ضروری ، محرمانه بودن اطلاعات از بین می رود و این سیاست خوبی است که مشاوران می توانند آن را دنبال کنند مسئله نگرانی از افشای مسائل محرمانه، می تواند مانع از کمک خواهی کودک شود و موجب می شود تا موضوعهای مورد علاقه کودک به جای آن که به راحتی بیان شود مسکوت باقی بماند همچنین همیشه این احتمال وجود دارد که مطالب محرمانه ای بدون آن که مشاور تمایلی به بیان آنها داشته باشد در حین گفتگوها عنوان شود بدون آن که فرصت آگاه کردن رسمی کودک وجود داشته باشد این امر به ویژه در مواقعی صدق می کند که معلمان عادی به عنوان مشاور عمل می کنند، از آنجایی که آنها از رهنمودهای عملی معینی که از مصاحبه مشاوره ای نیمه رسمی مشاوران حاصل می شود و می تواند به عنوان نقطه شروع مورد توافق مشاور - کودک قرار گیرد - برخوردار نیستند؛ در نتیجه این مشاوران باید به وجدان خودشان درباره آنچه باید محرمانه بماند، مراجعه کنند (گرچه پسندیده تر آن است که آنها باید

بتوانند در زمینه ای که مطابق با خط مشی مدرسه است به تبادل نظر با مدیر و کارکنان بپردازند.) دو قاعده اساسی که باید همیشه به کار گرفته شود این است که کودک مجاز است تا قبل از اینکه رازش بر ملا شود به جستجو بپردازد یا دست کم در جهت پیشرفت، اقدام هایی که از سوی مشاور طرح ریزی شده حرف بزند و تنها در موقعی باید راز را بر ملا ساخت که کودکان بخواهند در طولانی مدت به آن کار ادامه دهند. در هیچ زمانی نباید به راحتی رازی را برملا ساخت که منجر به تنبیه کودک شود و یا آن که به مسئول مدرسه نشان دهیم که یکی از همکاران متعصب گروهش چگونه عمل می کند.

البته گاهی اوقات کودکان نیاز دارند قبل از اینکه درباره حفظ آن موضوع به توافق برسند، متقاعد شوند. در اینجا کار مشاور باید کمک مشاور باید کمک به کودک برای دیدن چیزهایی باشد که ممکن است نتایج آنی ناخوشایند معینی داشته باشد؛ اما در درازمدت در نظر دیگران فرد محترم و فهمیده و با عزت نفس تلقی شود. بعضی از مشاوران بحث می کنند که این امر بسیار رهنمود دهنده است و کودک باید همیشه در تصمیم گیریهای شخصی دخیل باشد، اما به نظر می رسد این کار در واقع قرار دادن مسئولیت نامعقولی بر دوش کودک خردسالی است که ممکن است صادقانه خواهان راهنمایی باشد تا بتواند بهترین کارها را انجام دهد. جایی که توافق شده که محرمانه بودن موضوع از بین برود (من اصطلاح از بین رفتن را در اینجا به کار نمی برم، چون معنی منفی را در بردارد، اصطلاح «خاتمه دادن» مناسب تر است) کودک باید مطمئن شود که مشاور به حمایتش از او ادامه می دهد حتی همراهی فراوانی نیز با کودک، در مقابل مدیر یا احتمالاً والدین یا هر کس دیگری که در این ماجرا دخیل باشد، دارد. اگر کودکی نخواهد که رازش بر ملا شود باید از تصمیم کودک پیروی کند. او ممکن است احساس کند که گفتن آن ضروری است. از آنجایی که ممکن است پیشنهادهای روشن و مناسبی که کودک آنها را بپذیرد در دسترس نباشد این محدودیت ها، حمایت عملی و مساعدت ها را می طلبد.

تنها زمانی می توان استثنا قائل شد که کودک به مشاور اطلاع دهد که خطری (یا خطر بالقوه ای) خودش، سایر خودش، سایر کودکان یا اجتماع بزرگتری را تهدید می کند. برای مثال: ممکن است رازها شامل اطلاعاتی درباره مواد مخدر یا تهدید خصمانه فرد دیگر باشد. قانون در بریتانیای کبیر به ندرت کار مثبتی در قبال فردی، که اطلاعاتی از یک جرم متحملی را بیان می کند دارد؛ مشروط بر اینکه فرد به هیچ عنوانی خودش را در آن امر درگیر نباشد (اگر شواهد بعدی داشتن چنین اطلاعاتی را همراه با مجرمیت آن فرد نشان دهد، اثبات بی گناهی امر دشواری خواهد بود) قرارداد استخدامی معلمان اغلب وظایف واضحی در این راستا را وضع کرده، که باید به آن پای بند بمانند. در هر موردی، خواه وظیفه باشد یا نباشد، معلمان مسئولیت اخلاقی دارند تا از هر آسیبی جلوگیری کنند و این بدان معناست که آنها حق انتخابی ندارند، اگر بترسند که سکوتشان موجب بروز ضرر و زیانی می شود باید مسئولان مربوطه را مطلع سازند. همچنین باید حتی اگر کسی به عنوان مشاور متخصص نیز استخدام شده باشد، بعید به نظر می آید که قرارداد استخدامی اش متفاوت از معلمان معمولی باشد. بنابراین نامتحمّل است که تنها وی مسئولیت امنیت و سلامتی کل مدرسه را پذیرفته باشد، هرچند اگر هم این مسئولیت ها قانونی یا اخلاقی باشد، او را مستثنا از سایر کارکنان مدرسه نمی سازد.

این بدان معناست که رازهایی که از طریق مصاحبه مشاوره ای به طور مشروع گفته می شود، مقدس تر از رازهایی نیست که در زمان گفتگو بین یک معلم معمولی و کودک بیان می شود. معمولاً تصمیم به اینکه نباید تحت هر شرایطی آرام ماند، مساله دردناکی است؛ چراکه به یکباره تصمیم گرفته می شود، رازها بر ملا شود. تنها بدین شرط کودک می تواند تحت حمایت مشاور برای پیشنهادهایی که ارائه می دهد، باید موجه بوده، درصد نشان دادن چگونگی تحقق آنها باشد. عاقبت اینکه این رشته اقدام ها باید تا حد امکان به بهترین وجه به مصلحت خود کودک باشد.